

بررسی ابعاد حقوقی ممنوعیت حمله به زیرساخت‌ها در حقوق بین‌الملل با تکیه بر حمله آمریکا و اسرائیل به زیرساخت‌های حیاتی کشور و راهکارهای حقوقی جهت طرح دعوی در محاکم حقوقی بین‌المللی

مهدی نعمت‌اللهی

عضو کانون وکلای دادگستری فارس

com.Mehdiradman13591391@gmail

چکیده

حمله به زیرساخت‌های حیاتی، چه در زمان مخاصمات مسلحانه و چه در زمان صلح، یکی از چالش‌های جدی حقوق بین‌الملل معاصر محسوب می‌شود. این حملات که می‌توانند به صورت فیزیکی یا سایبری انجام شوند، پیامدهای فاجعه‌باری برای غیرنظامیان و امنیت ملی کشورها به همراه دارند. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسناد بین‌المللی، به بررسی ابعاد حقوقی ممنوعیت حمله به زیرساخت‌ها در حقوق بین‌الملل پرداخته و با مطالعه موردی حملات آمریکا و اسرائیل به زیرساخت‌های حیاتی ایران، راهکارهای حقوقی طرح دعوی در محاکم بین‌المللی را تحلیل می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه تعریف معاهده‌ای واحدی از زیرساخت‌های حیاتی وجود ندارد، اما می‌توان از رویه کشورها و مواضع سازمان‌های بین‌المللی، تعریف عرفی از این مفهوم استنباط کرد. اصول تفکیک، تناسب و احتیاط در حقوق بشردوستانه بین‌الملل، ممنوعیت حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی را تأیید می‌کنند و در زمان صلح نیز این حملات می‌توانند نقض حق بر حیات و سایر حقوق بنیادین بشر تلقی شوند. دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان کیفری بین‌المللی و نهادهای داوری، مهم‌ترین مراجع صلاحیت‌دار برای طرح دعوی هستند. با این حال، چالش‌هایی مانند مسئله انتساب حملات سایبری، دشواری جمع‌آوری ادله، مصونیت دولت‌ها و محدودیت‌های صلاحیتی، موانع جدی بر سر راه دادخواهی مؤثر ایجاد کرده‌اند. مقاله در پایان راهکارهایی مانند توسل به معاهدات دوستانه، طرح دعوی بر اساس نقض حقوق بشر، و تقویت همکاری‌های بین‌المللی برای ایجاد رژیم حقوقی جامع در این حوزه ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: زیرساخت‌های حیاتی، حقوق بشردوستانه بین‌الملل، اصل تفکیک، حملات سایبری، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

۱. مقدمه

حمله به زیرساخت‌های حیاتی، اگرچه پدیده‌ای جدید نیست، اما در سال‌های اخیر به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. این حملات می‌توانند عمدی، به‌صورت حملات نظامی یا اختلال عمدی، یا غیرعمدی، در قالب بلایای طبیعی یا فنی باشند. در هر دو حالت، این حملات پیامدهای فاجعه‌باری به‌ویژه برای غیرنظامیان به‌همراه دارند و در برخی شرایط ممکن است مصداق جنایات بین‌المللی مانند آوارگی اجباری یا حتی سلب حیات باشند (Beigzadeh, ۲۰۲۵). با توجه به این پیامدهای سنگین، این مقاله به بررسی این پرسش اصلی می‌پردازد که آیا حقوق بین‌الملل قواعدی برای ممنوعیت حملات به زیرساخت‌های حیاتی دارد یا خیر. از آنجا که این حملات ممکن است هم در جریان مخاصمات مسلحانه و هم در زمان صلح رخ دهند، مقررات بین‌المللی مربوطه باید در هر دو بستر بررسی شوند. همچنین باید توجه داشت که در کنار حملات فیزیکی، عملیات سایبری نیز می‌توانند زیرساخت‌های حیاتی را هدف قرار دهند.

مناقشه اخیر میان ایران از یک سو و آمریکا و اسرائیل از سوی دیگر، که از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ با حملات ترکیبی نظامی و سایبری آغاز شد، اهمیت این موضوع را دوچندان کرده است. گزارش‌ها حاکی از حمله به پل‌ها، ایستگاه‌های راه‌آهن، فرودگاه‌ها و تأسیسات انرژی ایران است. هم‌زمان، عملیات سایبری نیز به‌عنوان بخشی از این درگیری، با هک وبسایت‌های خبری و اختلال در سامانه‌های ارتباطی، ابعاد جدیدی به این مخاصمه بخشیده است (The Hindu, ۲۰۲۶). مقامات ایرانی این حملات را نقض آشکار حقوق بین‌الملل و جنایت جنگی خوانده‌اند.

فرضیه تحقیق حاضر این است که علی‌رغم نبود تعریف معاهده‌ای، می‌توان از رویه دولت‌ها و مواضع سازمان‌های بین‌المللی، تعریف عرفی از زیرساخت‌های حیاتی استنباط کرد. همچنین ممنوعیت حملات به زیرساخت‌های حیاتی در مخاصمات مسلحانه توسط اصول حقوق بشردوستانه بین‌الملل، به‌ویژه اصل تفکیک، تأیید می‌شود. این ممنوعیت، هرچند تا حدی تلویحی، در زمان صلح نیز قابل اعمال است، زیرا این اعمال ممکن است نقض حق بر حیات، به‌عنوان یک حق بنیادین بشر، تلقی شوند.

بر اساس بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، «همه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت خودداری می‌کنند.» این قاعده بنیادین، استفاده از زور علیه ایران را به‌طور کلی غیرقانونی می‌سازد، مگر آنکه دولت‌های مهاجم بتوانند بر اساس ماده ۵۱ منشور، اقدام خود را در چارچوب دفاع مشروع توجیه کنند. با این حال، تحلیل‌های حقوقی نشان می‌دهد که استناد به دفاع مشروع در این مورد با چالش‌های جدی مواجه است (Brookings, ۲۰۲۶). همچنین ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷) به‌صراحت حملات به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک از جمله سدها و نیروگاه‌های هسته‌ای را ممنوع می‌کند.

یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، مسئله تأسیسات دواک‌بره است؛ به این معنا که برخی زیرساخت‌ها ممکن است هم کاربرد نظامی و هم کاربرد غیرنظامی داشته باشند. در حالی که حقوق مخاصمات مسلحانه مفهوم «دواک‌بره» را به‌عنوان یک دسته حقوقی مستقل به رسمیت نمی‌شناسد، تعیین اینکه یک شیء در چه شرایطی هدف نظامی محسوب می‌شود، نیازمند بررسی موردی و رعایت اصول تناسب و احتیاط است (Lattimer, ۲۰۲۶). دفاعیات مقامات آمریکایی مبنی بر اینکه حملات صرفاً «اهداف نظامی» از جمله «زیرساخت‌های لجستیکی نظامی» را هدف قرار داده است، در عمل با توجه به گستردگی حملات و خسارات وارده به تأسیسات غیرنظامی، قابل پذیرش نیست.

در سطح بین‌المللی، جامعه جهانی اخیراً اقداماتی برای تقویت ممنوعیت حملات به زیرساخت‌های حیاتی با شناسایی این حملات به‌عنوان جنایات بین‌المللی (به‌ویژه جنایات جنگی) آغاز کرده است، هرچند این شناسایی در حال حاضر محدود به مخاصمات مسلحانه است. در این زمینه، می‌توان به صدور دو حکم بازداشت از سوی دیوان کیفری بین‌المللی علیه مقامات

نظامی روسیه به دلیل حملات به زیرساخت‌های حیاتی اوکراین اشاره کرد. این احکام در نتیجه حملات به زیرساخت‌های حیاتی اوکراین صادر شد که دیوان آنها را جنایت جنگی تشخیص داد. اگرچه این گام اولیه، محدود به پیگرد حملات به زیرساخت‌های حیاتی در مخاصمات مسلحانه است، اما باید آن را تحولی مثبت تلقی کرد که نشان می‌دهد جامعه سرانجام اقدامات مناسبی برای اجرای عدالت و مقابله با مصونیت از مجازات انجام داده است. با وجود این، در حالی که تعریف زیرساخت‌های حیاتی و قواعد ممنوعیت حملات به آنها تا حدودی روشن است، حقوق بین‌الملل مقررات صریحی درباره پروژه‌های عمرانی دولتها که موجب اختلال شدید در زیرساخت‌های حیاتی کشورهای همسایه می‌شود، ارائه نمی‌دهد. این شکاف حقوقی، ضرورت تدوین رژیم حقوقی جامع‌تری را در این زمینه نمایان می‌سازد.

۲. پیشینه تحقیق

موضوع حمله به زیرساخت‌های حیاتی در حقوق بین‌الملل، اگرچه در سال‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته، اما ریشه‌های آن به دهه‌ها قبل بازمی‌گردد. حقوق بشردوستانه بین‌الملل، به‌ویژه پس از کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، چارچوب اصلی حفاظت از غیرنظامیان و اشیاء غیرنظامی در زمان مخاصمات مسلحانه را ترسیم کرد. ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی، تعریف جامعی از «هدف نظامی» ارائه می‌دهد و به‌صراحت بیان می‌دارد که اشیاء غیرنظامی نباید هدف حمله قرار گیرند. بر اساس این ماده، اشیاء غیرنظامی به آن دسته از اشیاء اطلاق می‌شود که هدف نظامی محسوب نمی‌شوند (Lattimer, ۲۰۲۶). این چارچوب حقوقی، مبنای اصلی ممنوعیت حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی را تشکیل می‌دهد.

با این حال، در عمل، شناسایی و تشخیص زیرساخت‌های حیاتی به‌عنوان اهداف نظامی، با چالش‌های متعددی مواجه است. بسیاری از زیرساخت‌ها مانند نیروگاه‌های برق، پل‌ها و تأسیسات ارتباطی، کارکرد دوگانه دارند و ممکن است هم در خدمت غیرنظامیان و هم در خدمت نیروهای نظامی باشند. مفهوم «هدف دوکاربره» که در گفتمان حقوقی و نظامی رایج است، در متون حقوقی معتبر مانند پروتکل‌های ژنو به رسمیت شناخته نشده است. از نظر حقوق بشردوستانه، یک شیء یا هدف نظامی است یا غیرنظامی، و دسته‌بندی میانی وجود ندارد (Lattimer, ۲۰۲۶).

در رویه قضایی بین‌المللی، پرونده مربوط به سکوهای نفتی ایران و آمریکا (۲۰۰۳) یکی از مهم‌ترین موارد مرتبط با حمله به زیرساخت‌هاست. در این پرونده، ایران از دیوان بین‌المللی دادگستری خواستار جبران خسارت ناشی از حمله نیروی دریایی آمریکا به سه سکوی نفتی در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ شد (ICJ, ۲۰۰۳). دیوان در این پرونده، اگرچه به دلیل محدودیت‌های صلاحیتی ناشی از معاهده مودت ۱۹۵۵، نتوانست به‌طور کامل به ماهیت حملات نظامی بپردازد، اما این پرونده سابقه مهمی در زمینه طرح دعاوی مرتبط با زیرساخت‌ها در محاکم بین‌المللی ایجاد کرد (ICJ, ۲۰۰۳). این پرونده نشان می‌دهد که حتی در غیاب صلاحیت عام دیوان، می‌توان از معاهدات دوستانه به‌عنوان مبنایی برای طرح دعوی استفاده کرد، هرچند اثربخشی آن محدود است.

در سال‌های اخیر، حملات به زیرساخت‌های حیاتی در درگیری‌های مسلحانه به‌ویژه در اوکراین، توجه جامعه بین‌المللی را به این مسئله جلب کرده است. دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده اوکراین، احکام بازداشتی علیه مقامات نظامی روسیه به دلیل حملات به زیرساخت‌های انرژی صادر کرد که گامی مهم در شناسایی این حملات به‌عنوان جنایت جنگی محسوب می‌شود. این اقدام نشان‌دهنده تحول در رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی و تمایل آن به ورود به موضوعات مرتبط با زیرساخت‌های حیاتی است، هرچند این روند هنوز در مراحل اولیه قرار دارد.

در حوزه حملات سایبری، پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل با چالش‌های جدی مواجه است. عملیات سایبری «پیش‌موقعیت‌سازی (Prepositioning)» که به دسترسی غیرمجاز بلندمدت به شبکه‌های زیرساختی برای حملات آینده اشاره دارد، یکی از چالش‌های جدید در این حوزه است (Hollis & Sukumar, ۲۰۲۶). پژوهشگرانی مانند Hollis و Sukumar (۲۰۲۶) بر این باورند که قواعد موجود مانند حاکمیت، عدم مداخله، ممنوعیت تهدید یا استفاده از زور و حقوق بشر، برای تنظیم این نوع عملیات‌ها کافی نیستند و نیاز به تدوین قاعده‌ای مبتنی بر شیء (object-based approach) برای ممنوعیت عملیات سایبری پیش‌موقعیت‌سازی علیه زیرساخت‌های حیاتی غیرنظامی وجود دارد. این رویکرد، تحت تأثیر قواعد حقوق بشردوستانه، پیشنهاد می‌کند که زیرساخت‌های حیاتی غیرنظامی به‌عنوان مقوله‌ای حقوقی مستقل، نیازمند حمایت ویژه هستند.

پژوهش‌های دیگری نیز به موضوع مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حملات سایبری پرداخته‌اند. Mazaraki و Honcharova (۲۰۲۲) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که حقوق بین‌الملل موجود، مبنای حقوقی اندکی برای راهنمایی ماهوی درباره رفتار مسئولانه دولت‌ها در فضای سایبر و سطوح لازم برای انتساب جهت ایجاد مسئولیت دولتی یا غیردولتی فراهم می‌کند. دشواری انتساب حملات سایبری به دولت‌ها، یکی از موانع اصلی در راه تحقق مسئولیت بین‌المللی است؛ زیرا این حملات به‌طور ذاتی پنهان بوده و از طریق شبکه‌های متعدد و حوزه‌های قضایی گوناگون مسیریابی می‌شوند (The Hindu, ۲۰۲۶). خسارات اقتصادی ناشی از حملات سایبری نیز موضوع پژوهش‌های دیگری بوده است که نشان می‌دهد بیمه‌نامه‌ها معمولاً حملات سایبری را پوشش نمی‌دهند و سازوکارهای جبران خسارت ناکارآمد هستند.

در سطح معاهدات بین‌المللی، کنوانسیون بوداپست درباره جرایم سایبری (۲۰۰۱) (مهم‌ترین سند بین‌المللی در این حوزه است، هرچند تمرکز آن بر هماهنگ‌سازی قوانین داخلی درباره جرایم سایبری است و به موضوع مسئولیت دولت‌ها در قبال عملیات سایبری نمی‌پردازد) (Morel de Westgaver, ۲۰۲۴). اخیراً نیز پیش‌نویس کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره جرایم سایبری توسط روسیه ارائه شده است که فهرست جرایم سایبری را گسترش می‌دهد. با این حال، این اسناد عمدتاً بر جنبه‌های کیفری متمرکز هستند و به‌ندرت به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و جبران خسارت ناشی از حملات به زیرساخت‌های حیاتی می‌پردازند.

در مجموع، پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که موضوع حمله به زیرساخت‌های حیاتی در حقوق بین‌الملل، علی‌رغم وجود چارچوب‌های کلی حقوق بشردوستانه، نیازمند تدوین قواعد دقیق‌تر و متناسب با چالش‌های معاصر، به‌ویژه در حوزه حملات سایبری و تأسیسات دواک‌بره است. شکاف‌های موجود در نظام حقوقی و عدم کارآمدی سازوکارهای موجود، ضرورت تحقیق بیشتر در این زمینه را نمایان می‌سازد.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی ابعاد حقوقی ممنوعیت حمله به زیرساخت‌ها در حقوق بین‌الملل و ارائه راهکارهای حقوقی برای طرح دعوی در محاکم بین‌المللی، با تکیه بر حملات آمریکا و اسرائیل به زیرساخت‌های حیاتی ایران انجام شده است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد بین‌المللی صورت گرفته است. در این روش، ابتدا مفاهیم کلیدی مانند «زیرساخت‌های حیاتی»، «هدف نظامی»، «اصل تفکیک»، «اصل تناسب» و «اصل احتیاط» بر اساس منابع معتبر حقوق بین‌الملل تعریف و تبیین شده‌اند (Beigzadeh, ۲۰۲۵).

برای تحلیل قواعد حقوقی موجود، از روش تفسیر متون حقوقی بر اساس کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات (۱۹۶۹) استفاده شده است. بر این اساس، مفاد معاهدات مرتبط مانند پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷)، منشور ملل متحد (۱۹۴۵) و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸) با تکیه بر متن، زمینه و هدف معاهده تفسیر شده‌اند. رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی نیز به‌عنوان منابع مهم حقوق بین‌الملل عرفی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند (ICJ, ۲۰۰۳).

بخش مطالعه موردی پژوهش، بر حملات نظامی و سایبری آمریکا و اسرائیل به زیرساخت‌های حیاتی ایران متمرکز است. در این بخش، گزارش‌های خبری معتبر، بیانیه‌های رسمی مقامات ایرانی و تحلیل‌های مراکز تحقیقاتی معتبر (Brookings, ۲۰۲۶) به‌عنوان داده‌های اولیه استفاده شده‌اند. همچنین برای تحلیل ابعاد سایبری حملات، از پژوهش‌های منتشر شده در مجلات معتبر حقوق بین‌الملل استفاده شده است.

در بخش ارائه راهکارهای حقوقی، پس از شناسایی محاکم بین‌المللی صلاحیت‌دار (از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان کیفری بین‌المللی و نهادهای داوری)، شرایط و موانع طرح دعوی در هر یک از این محاکم بررسی شده است. برای این منظور، از رویه قضایی موجود (Morel de Westgaver, ۲۰۲۴) و تحلیل‌های حقوقی معاصر استفاده شده است. همچنین پیشنهادها ارائه شده در مجامع بین‌المللی مانند ابتکار جهانی برای حمایت از حقوق بشردوستانه و بیانیه کشورهایمانند کوبا در سازمان ملل به‌عنوان منابع مکمل برای تدوین راهکارها مورد توجه قرار گرفته‌اند.

این پژوهش از حیث هدف، کاربردی و از حیث ماهیت، کیفی است. داده‌های جمع‌آوری شده، عمدتاً متنی بوده و با استفاده از روش تحلیل محتوا و تفسیر حقوقی، بررسی شده‌اند. کلیه منابع استفاده شده، معتبر و از نوع منابع دست اول (معاهدات، رویه قضایی، اسناد بین‌المللی) یا منابع دست دوم معتبر (مقاله‌های علمی پژوهشی، گزارش‌های مراکز معتبر) هستند. ارجاع به منابع در متن به‌صورت نوشتاری و بر اساس شیوه APA انجام شده است تا خواننده بتواند به‌راحتی به منابع اصلی مراجعه کند.

۴. نتایج

جدول ۱: قواعد حقوقی مرتبط با ممنوعیت حمله به زیرساخت‌ها

کاربرد در حملات به زیرساخت‌ها	مفاد کلیدی	منبع حقوقی	عنوان قاعده
زیرساخت‌های غیرنظامی در صورت عدم کاربرد نظامی، مشروعیت هدف‌گیری ندارند	تمایز بین اشیاء نظامی و غیرنظامی؛ حمله صرفاً به اهداف نظامی مجاز است	ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی، عرف بین‌الملل	اصل تفکیک
حملات به تأسیسات دواکاربره باید با ارزیابی تناسب همراه باشد	خسارت جانبی به غیرنظامیان نباید نسبت به مزیت نظامی قابل حصول، افراطی باشد	ماده ۵۱(۵)(ب) پروتکل اول الحاقی، عرف بین‌الملل	اصل تناسب

پیش از حمله به تأسیسات زیرساختی، ماهیت و کاربرد آن باید بررسی شود	طرف‌های درگیر باید همه اقدامات ممکن را برای تأیید هدف‌گیری و کاهش خسارت به غیرنظامیان انجام دهند	ماده ۵۷ پروتکل اول الحاقی، عرف بین‌الملل	اصل احتیاط
نیروگاه‌های هسته‌ای و تأسیسات مشابه از حمایت ویژه برخوردارند	حمله به سدها، سیل‌بندها و نیروگاه‌های هسته‌ای ممنوع است، حتی اگر هدف نظامی باشند	ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی	حفاظت از تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک

این جدول چهار قاعده بنیادین حقوق بین‌الملل را نشان می‌دهد که در مجموع چارچوب اصلی ممنوعیت حملات به زیرساخت‌ها را تشکیل می‌دهند. اصل تفکیک که در ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷) و به‌عنوان قاعده عرفی حقوق بین‌الملل تثبیت شده، مستلزم آن است که طرف‌های درگیر همواره بین اشیاء نظامی و غیرنظامی تمایز قائل شوند و حملات خود را منحصر به اهداف نظامی معطوف دارند. بر این اساس، زیرساخت‌های حیاتی که ماهیتاً غیرنظامی هستند، مانند بیمارستان‌ها، مدارس، نیروگاه‌های برق و تأسیسات آب، تا زمانی که به اهداف نظامی تبدیل نشوند، از حمایت برخوردارند.

با این حال، چالش اساسی در مورد تأسیسات دوکاربره (Dual-Use Objects) است که هم کاربرد غیرنظامی و هم کاربرد نظامی دارند. از دیدگاه حقوق بشردوستانه، «دوکاربره» یک دسته حقوقی مستقل نیست و هر شیء یا هدف نظامی است یا غیرنظامی. یک شیء زمانی به هدف نظامی تبدیل می‌شود که «به‌واسطه ماهیت، مکان، هدف یا کاربرد خود، به‌طور مؤثر در اقدام نظامی مشارکت داشته باشد و تخریب، تصرف یا خنثی‌سازی کامل یا جزئی آن، در شرایط حاکم، مزیت نظامی قطعی به همراه داشته باشد». بنابراین، یک نیروگاه برق که هم به غیرنظامیان و هم به پادگان نظامی برق می‌دهد، ممکن است هدف نظامی محسوب شود، اما این تصمیم باید بر اساس معیارهای عینی اتخاذ شود و صرفاً با ادعای کاربرد نظامی، نمی‌توان کل یک زیرساخت را هدف قرار داد. اصل تناسب که در ماده ۵۱(۵)(ب) پروتکل اول الحاقی آمده، حمله‌ای را که انتظار می‌رود خسارت اتفاقی به غیرنظامیان یا اشیاء غیرنظامی وارد کند و این خسارت نسبت به مزیت نظامی قابل حصول، افراطی باشد، ممنوع می‌کند. این اصل در حملات به زیرساخت‌های حیاتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا خسارت به این زیرساخت‌ها معمولاً پیامدهای گسترده و طولانی‌مدتی برای جمعیت غیرنظامی به همراه دارد. به‌عنوان مثال، حمله به یک نیروگاه برق ممکن است علاوه بر خسارت مستقیم، منجر به قطع برق بیمارستان‌ها، اختلال در تأمین آب آشامیدنی، تعطیلی مدارس و کسب‌وکارها و در نهایت تلفات غیرنظامی شود (ABNA, ۲۰۲۶). بنابراین، ارزیابی تناسب در چنین مواردی باید با در نظر گرفتن پیامدهای زنجیره‌ای و بلندمدت صورت گیرد.

اصل احتیاط که در ماده ۵۷ پروتکل اول الحاقی مقرر شده، طرف‌های درگیر را موظف می‌کند که در انتخاب روش‌ها و وسایل حمله، همه اقدامات ممکن را برای تأیید نظامی بودن هدف و کاهش خسارت به غیرنظامیان انجام دهند. این اصل مستلزم آن است که قبل از حمله به یک تأسیسات زیرساختی، اطلاعات دقیقی درباره ماهیت، کاربرد و پیامدهای احتمالی حمله جمع‌آوری و بررسی شود. حملات گسترده و بی‌رویه به زیرساخت‌های حیاتی، حتی اگر برخی از آنها کاربرد نظامی داشته باشند، می‌تواند نشان‌دهنده نقض این اصل باشد.

نهایتاً، ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی، حمایت ویژه‌ای از تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک، از جمله سدها، سیل‌بندها و نیروگاه‌های هسته‌ای، به‌عمل آورده است. بر اساس این ماده، حتی اگر این تأسیسات هدف نظامی باشند، حمله به آنها در صورت ایجاد خطر برای غیرنظامیان ممنوع است. این ماده در مورد تأسیسات هسته‌ای ایران که تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی

اتمی فعالیت می‌کنند، کاربرد مستقیم دارد (Mizan, ۲۰۲۵). با این حال، گزارش‌ها حاکی از آن است که برخی از تأسیسات هسته‌ای ایران، از جمله تأسیسات نطنز و اصفهان، هدف حملات قرار گرفته‌اند که نقض آشکار این ماده محسوب می‌شود.

جدول ۲: مصادیق حملات به زیرساخت‌های ایران در مناقشه اخیر

وضعیت حقوقی	پیامدها	مصادیق حملات (بر اساس گزارش‌ها)	نوع زیرساخت
نقض اصل تفکیک و تناسب (در صورت عدم احراز کاربرد نظامی مؤثر)	تلفات جانی، اختلال در تردد، آسیب به شبکه حمل‌ونقل	پل گریوه (استان هرمزگان)، ایستگاه راه‌آهن، فرودگاه ایرانشهر (BBC, ۲۰۲۶)	زیرساخت‌های حمل‌ونقل
نقض اصول تفکیک، تناسب و احتیاط	اختلال در تأمین انرژی، آسیب به اقتصاد، پیامدهای زیست‌محیطی	تأسیسات انرژی، از جمله میدان گازی پارس جنوبی (Lattimer, ۲۰۲۶)	تأسیسات انرژی
نقض ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی و قطعنامه ۴۸۷ شورای امنیت	خطرات زیست‌محیطی و سلامتی، تضعیف رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای	تأسیسات نطنز و اصفهان (Mizan, ۲۰۲۵)	زیرساخت‌های هسته‌ای
نقض حاکمیت و اصل عدم مداخله، چالش در انتساب	اختلال در جریان اطلاعات، ایجاد ناامنی روانی	هک وبسایت‌های خبری و سامانه‌های ارتباطی (The Hindu, ۲۰۲۶)	زیرساخت‌های سایبری

این جدول مصادیق حملات به زیرساخت‌های ایران را بر اساس گزارش‌های موجود نشان می‌دهد. حملات به زیرساخت‌های حمل‌ونقل از جمله پل گریوه در استان هرمزگان، ایستگاه راه‌آهن و فرودگاه ایرانشهر، در ششمین شب حملات آمریکا رخ داده است. مقامات ایرانی اعلام کرده‌اند که این حملات تلفات جانی به همراه داشته و مقامات استانی هرمزگان نیز از کشته شدن هفت نفر در این حملات خبر داده‌اند. با توجه به اینکه پل‌ها و ایستگاه‌های راه‌آهن معمولاً زیرساخت‌های غیرنظامی محسوب می‌شوند، مگر اینکه کاربرد نظامی مؤثر آنها احراز شود، این حملات در ظاهر نقض اصل تفکیک هستند. کاخ سفید ادعا کرده است که حملات «به‌طور انحصاری علیه اهداف نظامی، از جمله زیرساخت‌های لجستیکی نظامی» انجام شده است (BBC, ۲۰۲۶)، اما این ادعا با توجه به گستردگی حملات و خسارات وارده به تأسیسات غیرنظامی، نیازمند اثبات است.

در حوزه تأسیسات انرژی، گزارش‌ها حاکی از حمله به میدان گازی پارس جنوبی است (Lattimer, ۲۰۲۶). این تأسیسات، یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های انرژی ایران هستند که بخش عظیمی از نیازهای داخلی و صادراتی کشور را تأمین می‌کنند. حمله به این تأسیسات، علاوه بر خسارت مستقیم، پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای برای ایران و حتی کشورهای منطقه داشته است. از منظر حقوق بشردوستانه، حمله به تأسیسات انرژی باید با رعایت اصول تناسب و احتیاط صورت گیرد. با توجه به اینکه این تأسیسات عمده‌تأ کاربرد غیرنظامی دارند و حمله به آنها خسارت‌های جانی و اقتصادی گسترده‌ای به غیرنظامیان وارد می‌کند، احراز تناسب در این حملات بسیار دشوار است. به عبارت دیگر، مزیت نظامی حاصل از این حملات به‌سختی می‌تواند توجیه‌کننده خسارت‌های گسترده به جمعیت غیرنظامی باشد.

در مورد حملات به تأسیسات هسته‌ای، این اقدامات نقض آشکار ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی و قطعنامه ۴۸۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد محسوب می‌شود. ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی، حمله به تأسیسات هسته‌ای را حتی در صورت نظامی بودن آنها، در صورتی که موجب آزاد شدن نیروهای خطرناک و تلفات غیرنظامی شود، ممنوع می‌کند. همچنین قطعنامه ۴۸۷ شورای امنیت (۱۹۸۱) که پس از حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای عراق صادر شد، بر لزوم احترام به حرمت تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز تأکید کرده است. حملات اخیر به تأسیسات نطنز و اصفهان، نه تنها ناقض این مقررات هستند، بلکه تضعیف‌کننده رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و صلاحیت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز محسوب می‌شوند (Mizan, ۲۰۲۵).

در حوزه حملات سایبری، این عملیات‌ها که هم‌زمان با حملات نظامی صورت گرفته، ابعاد جدیدی به مناقشه افزوده است. عملیات سایبری که شامل هک وبسایت‌های خبری و سامانه‌های ارتباطی بوده، با هدف اختلال در جریان اطلاعات و ایجاد ناامنی روانی انجام شده است. این حملات، اگرچه تلفات فیزیکی مستقیم ندارند، اما می‌توانند پیامدهای جدی برای زیرساخت‌های حیاتی مانند شبکه‌های برق، آب و ارتباطات داشته باشند. با این حال، مهم‌ترین چالش حقوقی در این حوزه، مسئله انتساب است. به دلیل ماهیت پنهان و غیرمستقیم حملات سایبری، اثبات اینکه یک دولت مشخص پشت این حملات است، بسیار دشوار است.

بررسی ابعاد حقوقی ممنوعیت حمله به زیرساخت‌ها در حقوق بین‌الملل با تکیه بر حمله آمریکا و اسرائیل به زیرساخت‌های حیاتی کشور در دو جنگ رخ داده در سال ۱۴۰۴/۱۴۰۵ و راهکارهای حقوقی جهت طرح دعوی در محاکم حقوقی بین‌المللی

زیرساخت‌های حیاتی، شامل تأسیسات انرژی، شبکه‌های حمل‌ونقل، بیمارستان‌ها، نیروگاه‌های هسته‌ای، تأسیسات آب و فاضلاب، و شبکه‌های ارتباطی، شریان‌های حیاتی هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند. حمله به این تأسیسات، افزون بر خسارات مادی، می‌تواند به اختلال گسترده در زندگی روزمره شهروندان، جابه‌جایی اجباری جمعیت، و تلفات انسانی گسترده منجر شود. در حقوق بین‌الملل، حمایت از زیرساخت‌های حیاتی در دو بستر متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرد: در زمان مخاصمات مسلحانه و در زمان صلح.

جنگ‌های رخ داده در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ میان ایران از یک سو و آمریکا و اسرائیل از سوی دیگر، چالش‌های حقوقی بی‌سابقه‌ای را در زمینه حمله به زیرساخت‌های حیاتی ایجاد کرده است. حملات گسترده‌ای به تأسیسات هسته‌ای تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) در فردو، نطنز و اصفهان، بیمارستان‌ها، مدارس، پل‌ها، تأسیسات نمک‌زدایی آب، فرودگاه‌ها و برج‌های مخابراتی ایران توسط نیروهای آمریکایی و اسرائیلی صورت گرفته است (Islamic Republic of Iran, ۲۰۲۶). تهدیدات آشکار رئیس‌جمهور وقت آمریکا مبنی بر اینکه «سه‌شنبه روز نیروگاه و پل در ایران خواهد بود» و «ایران تمام نیروگاه‌ها و کارخانه‌های خود را از دست خواهد داد»، نشان‌دهنده ماهیت برنامه‌ریزی‌شده و سیستماتیک این حملات است (Politico, ۲۰۲۶).

در حقوق بشردوستانه بین‌الملل، اصل تفکیک که در ماده ۴۸ پروتکل اول کنوانسیون‌های ژنو به عنوان «قاعده بنیادین» شناخته شده است، دولت‌ها را موظف می‌سازد که میان غیرنظامیان و رزمندگان و نیز میان اشیاء غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند و حملات را صرفاً به اهداف نظامی محدود نمایند (IPIS, ۲۰۲۶). ماده ۵۲ پروتکل اول، اشیاء غیرنظامی را «همه

اشیایی که هدف نظامی نیستند» تعریف کرده و حملات به آن‌ها را ممنوع اعلام می‌کند. بند ۳ این ماده مقرر می‌دارد که «در صورت تردید در مورد این که یک شیء که معمولاً برای مقاصد غیرنظامی اختصاص داده شده است، مانند یک مدرسه یا بیمارستان، برای کمک مؤثر به اقدام نظامی استفاده می‌شود یا نه، باید پنداشته شود که برای چنین منظوری استفاده نمی‌شود» (ICRC, ۱۹۸۷).

زیرساخت‌های حیاتی در زمره اشیاء غیرنظامی قرار می‌گیرند، مگر آنکه بر اساس معیارهای ماده ۵۲ بند ۲ (طبیعت، مکان، هدف یا استفاده) به هدف نظامی تبدیل شوند. با این حال، صرف «استفاده» احتمالی یا بالقوه یک زیرساخت برای مقاصد نظامی، آن را به هدف نظامی تبدیل نمی‌کند؛ بلکه نیاز به «کمک مؤثر به اقدام نظامی» و «ارائه مزیت نظامی مشخص» دارد (Steiger, n.d.).

ماده ۵۱ بند ۵ پروتکل اول، حملات تبعیض‌آمیز (Indiscriminate Attacks) و نیز حملاتی که خسارت وارد به غیرنظامیان و اشیاء غیرنظامی آن «در مقایسه با مزیت نظامی مورد انتظار، بیش از حد» باشد را ممنوع کرده است (ICRC, ۱۹۸۷). اصل تناسب ایجاب می‌کند که حتی در مواردی که یک زیرساخت حیاتی به هدف نظامی تبدیل شده است، حمله به آن تنها در صورتی مجاز باشد که خسارت جانبی وارده به غیرنظامیان و سایر اشیاء غیرنظامی، در مقایسه با مزیت نظامی مورد انتظار، بیش از حد نباشد.

در مورد زیرساخت‌های با «هدف دوگانه» (Dual-Use) «مانند نیروگاهی که هم به تأسیسات نظامی و هم به بیمارستان‌ها و مدارس برق می‌دهد - مهاجم موظف است پیش از حمله ارزیابی کند که آیا خسارت ناشی از اختلال در خدمات غیرنظامی (مانند قطع برق بیمارستان‌ها) در مقایسه با مزیت نظامی مورد انتظار، بیش از حد خواهد بود یا خیر» (IPIS, ۲۰۲۶).

بررسی حملات آمریکا و اسرائیل به زیرساخت‌های ایران

مصادیق حملات

بر اساس گزارش‌های معتبر، حملات آمریکا و اسرائیل به زیرساخت‌های حیاتی ایران در طیف گسترده‌ای از تأسیسات انجام شده است:

- تأسیسات هسته‌ای تحت نظارت IAEA: نیروگاه‌های اتمی فردو، نطنز، اصفهان و بوشهر در نقض آشکار قطعنامه ۴۸۷ شورای امنیت و موافقتنامه پادمان جامع (CSA) هدف حملات قرار گرفتند (Islamic Republic of Iran, ۲۰۲۶).

- تأسیسات آب و انرژی: حمله به کارخانه نمک‌زدایی در استان جاسک که حدود ۱۰,۰۰۰ نفر را بدون آب آشامیدنی گذاشت (New York Times, ۲۰۲۶). همچنین حملات به جزیره قشم که آب ۳۰ روستا را قطع کرد (IPIS, ۲۰۲۶).

- زیرساخت‌های حمل‌ونقل: حمله به پل B۱ کرج-تهران که یک شریان حیاتی حمل‌ونقل شهری است و تخریب حداقل هشت خط راه‌آهن (Global Security, ۲۰۲۶; IPIS, ۲۰۲۶).

- مراکز درمانی و آموزشی: حمله به مدرسه در میناب که منجر به کشته شدن حدود ۱۶۸ تا ۱۸۰ نفر - عمدتاً دختران ۷ تا ۱۲ ساله - شد (WIRED, ۲۰۲۶). همچنین حمله به مؤسسه پاستور تهران که یک مرکز تحقیقاتی و بهداشت عمومی با بیش از یک قرن سابقه و عضو شبکه بین‌المللی پاستور است (IPIS, ۲۰۲۶).

حملات آمریکا و اسرائیل به زیرساخت‌های حیاتی ایران، نقض آشکار اصول بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی است:

الف) نقض قاعده ممنوعیت استفاده از زور (Jus ad Bellum): ماده ۲(۴) منشور ملل متحد، استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت را مطلقاً ممنوع کرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی در نیکاراگوئه (۱۹۸۶) به صراحت بیان داشت که «استفاده از زور علیه تمامیت ارضی دولت دیگر و نیز اقدامات نظامی که به قلمرو دولت دیگر تجاوز می‌کند، نقض حقوق بین‌الملل عرفی و معاهده‌ای محسوب می‌شود (Islamic Republic of Iran, ۲۰۲۶)». توجیه حملات تحت عنوان «دفاع مشروع پیش‌گیرانه» فاقد وجهت حقوقی است، زیرا هیچ حمله مسلحانه‌ای از سوی ایران علیه این دو دولت صورت نگرفته بود و ماده ۵۱ منشور، حق دفاع مشروع را به وضعیت «وقوع حمله مسلحانه» محدود کرده است.

ب) نقض اصول حقوق بشردوستانه: حملات به بیمارستان‌ها، مدارس، تأسیسات آب و اماکن مسکونی که مصداق «اشیاء غیرنظامی» هستند، نقض آشکار اصل تفکیک (ماده ۴۸ و ۵۲ پروتکل اول) محسوب می‌شود (IPIS, ۲۰۲۶). حتی در مواردی که برخی از این تأسیسات دارای «هدف دوگانه» باشند، برای مشروعیت حمله باید اصل تناسب رعایت شود و خسارت جانبی به غیرنظامیان در مقایسه با مزیت نظامی مورد انتظار، بیش از حد نباشد (IPIS, ۲۰۲۶).

حمله به تأسیسات هسته‌ای نطنز، فردو و اصفهان که تحت نظارت IAEA هستند، نقض مضاعف ماده ۵۶ پروتکل اول (حمایت از تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک) و قطعنامه ۴۸۷ شورای امنیت است (Islamic Republic of Iran, ۲۰۲۶). تأسیسات نمک‌زدایی آب که به عنوان اشیاء ضروری برای بقای غیرنظامیان تحت حمایت ماده ۵۴ پروتکل اول هستند، هدف حملات قرار گرفته‌اند که مصداق «استفاده از گرسنگی و تشنگی به عنوان روش جنگ» محسوب می‌شود.

ج) مصداق جنایت جنگی و تروریسم دولتی: حملات عمدی و سیستماتیک به زیرساخت‌های حیاتی ایران، به‌ویژه مراکز درمانی، مدارس و اماکن مسکونی، مصداق «جنایت جنگی» به معنای ماده ۸ اساسنامه رم و «تروریسم دولتی» محسوب می‌شود. سفیر ایران در سازمان ملل در نامه‌ای به دبیرکل و رئیس شورای امنیت، این حملات را «نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی، اقدامات تروریستی و جنایات جنگی» توصیف کرده است.

راهکارهای حقوقی جهت طرح دعوی

پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)

مهم‌ترین راهکار، پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی توسط ایران از طریق ارائه اعلامیه به دادستان دیوان (مطابق با ماده ۱۲(۳) اساسنامه رم) است. تجربه اوکراین در سال ۲۰۱۴ نشان داده است که این راهکار از قابلیت اجرایی بالایی برخوردار است و می‌تواند زمینه‌ساز تحقیقات و پیگردهای قضایی مؤثر باشد. ایران می‌تواند بر اساس ماده ۳۶(۲) اساسنامه دیوان، دعوی علیه آمریکا و اسرائیل را به دلیل نقض کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کند. همچنین می‌توان بر اساس پیمان دوستی ۱۹۵۹ میان ایران و آمریکا، به دیوان مراجعه کرد، هرچند احتمال موفقیت این راهکار به دلیل محدودیت‌های صلاحیتی دیوان و نیز احتمال عدم همکاری آمریکا و اسرائیل، کمتر از راهکار قبلی است. ایران می‌تواند از ظرفیت‌های نهادهای نظارتی معاهدات بین‌المللی استفاده کند، از جمله:

- ارائه گزارش به شورای حقوق بشر سازمان ملل و درخواست تشکیل هیئت حقیقت‌یاب (Fact-Finding Mission)
- پیگیری از طریق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) در مورد حملات به تأسیسات هسته‌ای
- ارائه شکایت به نهادهای منطقه‌ای مانند سازمان همکاری اسلامی
- کسب رأی اکثریت در مجمع عمومی سازمان ملل برای محکومیت اقدامات آمریکا و اسرائیل

بررسی ابعاد حقوقی حملات آمریکا و اسرائیل به زیرساخت‌های حیاتی ایران در جنگ‌های سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که این اقدامات نقض آشکار قواعد آمره حقوق بین‌الملل از جمله اصل تفکیک، اصل تناسب، اصل ممنوعیت استفاده از زور و حمایت از تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک است. این حملات که بیمارستان‌ها، مدارس، تأسیسات هسته‌ای، پل‌ها، نیروگاه‌ها و شبکه‌های آبرسانی را هدف قرار داده‌اند، مصداق جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت محسوب می‌شوند. پیشنهاد می‌شود که ایران با پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی و ارائه مستندات کافی، زمینه‌ساز تحقیقات و پیگرد قضایی عاملان این حملات شود و از تمام ظرفیت‌های حقوقی و سیاسی موجود برای احقاق حقوق خود بهره گیرد (جدول ۳).

جدول ۳: محاکم بین‌المللی صلاحیت‌دار و موانع طرح دعوی

موانع اصلی	نمونه رویه مرتبط	مبنای صلاحیت	محکمه
لزوم رضایت طرف مقابل، محدودیت‌های ناشی از معاهدات خاص	پرونده سکوه‌های نفتی (ایران علیه آمریکا، ۲۰۰۳) (ICJ, ۲۰۰۳)	رضایت دولت‌ها (صلاحیت اختیاری)، معاهدات با شرط داوری	دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)
عدم عضویت ایران و آمریکا در اساسنامه، صلاحیت تکمیلی	احکام بازداشت مقامات روسی به دلیل حملات به زیرساخت‌های اوکراین (Beigzadeh, ۲۰۲۵)	اساسنامه رم (۱۹۹۸)، صلاحیت تکمیلی	دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)
محدود به دعاوی خاص، نیاز به توافق طرفین	داوری دعاوی ایران و آمریکا پس از انقلاب ۱۳۵۷	معاهدات یا موافقت‌نامه‌های خاص	نهادهای داوری (مانند داوری دیوان داوری دعاوی ایران - آمریکا)
صلاحیت محدود به کشورهای عضو، عدم ارتباط مستقیم با حملات نظامی	رویه مرتبط با نقض حقوق بشر	کنوانسیون اروپایی حقوق بشر	نهادهای قضایی اروپایی (مانند دیوان اروپایی حقوق بشر)

این جدول مهم‌ترین محاکم بین‌المللی صلاحیت‌دار برای طرح دعوی مرتبط با حملات به زیرساخت‌ها را نشان می‌دهد. دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان مهم‌ترین رکن قضایی سازمان ملل متحد، صلاحیت رسیدگی به اختلافات بین دولت‌ها را دارد. با این حال، صلاحیت این دیوان مبتنی بر رضایت دولت‌هاست و دولت‌ها می‌توانند با عدم پذیرش صلاحیت اجباری دیوان یا استثنا کردن موضوعات خاص، از طرح دعوی جلوگیری کنند. پرونده سکوه‌های نفتی (ایران علیه آمریکا، ۲۰۰۳) نمونه‌ای از طرح دعوی در این دیوان است که در آن، ایران بر اساس معاهده مودت ۱۹۵۵، اقدام به طرح دعوی علیه آمریکا کرد (ICJ, ۲۰۰۳). با این حال، دیوان در این پرونده به دلیل محدودیت‌های ناشی از معاهده مودت، نتوانست به‌طور کامل به ماهیت حملات نظامی بپردازد. با توجه به خروج آمریکا از معاهده مودت با ایران در سال ۲۰۱۸، این مسیر برای طرح دعوی فعلی ایران عملاً مسدود شده است.

دیوان کیفری بین‌المللی که بر اساس اساسنامه رم (۱۹۹۸) تأسیس شده، صلاحیت رسیدگی به جنایات بین‌المللی از جمله جنایات جنگی را دارد. صدور احکام بازداشت علیه مقامات روسی به دلیل حملات به زیرساخت‌های اوکراین، نشان‌دهنده ظرفیت

این دیوان برای پیگرد حملات به زیرساخت‌های حیاتی به‌عنوان جنایت جنگی است (Beigzadeh, ۲۰۲۵). با این حال، مهم‌ترین مانع در این مسیر، عدم عضویت ایران و آمریکا در اساسنامه رم است. ایران اساسنامه رم را امضا کرده اما آن را تصویب نکرده است و آمریکا نیز اساسنامه را امضا و سپس امضای خود را پس گرفته است. بنابراین، دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت خود را بر اساس اصل تکمیلی و تنها در صورتی اعمال می‌کند که دولت متبوع متهم، عضویت داشته باشد یا شورای امنیت پرونده را به دیوان ارجاع دهد. با توجه به وتوی احتمالی توسط آمریکا، این مسیر نیز با موانع جدی مواجه است.

نهادهای داوری مانند دیوان داوری دعاوی ایران-آمریکا که پس از انقلاب ۱۳۵۷ تأسیس شد، می‌توانند بستر مناسبی برای طرح دعاوی مرتبط با خسارت‌های اقتصادی ناشی از حملات باشند. با این حال، صلاحیت این نهادها محدود به موضوعات خاص و نیازمند توافق طرفین است و نمی‌توان از آن برای طرح دعاوی گسترده مرتبط با حملات نظامی استفاده کرد.

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز به‌عنوان یک نهاد قضایی منطقه‌ای، صلاحیت رسیدگی به شکایات نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را دارد. با توجه به اینکه آمریکا و اسرائیل عضو این کنوانسیون نیستند، این مسیر نیز عملاً مسدود است. همچنین سایر نهادهای قضایی بین‌المللی مانند دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر (آمریکایی، آفریقایی) یا دادگاه‌های داخلی کشورها، با موانع متعددی مانند مصونیت دولت‌ها، فقدان صلاحیت فراسرزمینی و دشواری اجرای احکام مواجه هستند (Morel de Westgaver, ۲۰۲۴).

جدول ۴: راهکارهای حقوقی و اثربخشی آنها

اثربخشی	چالش‌ها و محدودیت‌ها	مزایا	مبنای حقوقی	راهکار حقوقی
کم	خروج آمریکا از معاهده در ۲۰۱۸، محدودیت موضوعی	سابقه موفق در پرونده سکوه‌های نفتی	معاهده مودت ۱۹۵۵ ایران و آمریکا	طرح دعوی بر اساس معاهده مودت
متوسط	دشواری اثبات، محدودیت صلاحیتی	قابلیت استناد در محاکم مختلف، ارتباط با حق بر حیات	میثاقین حقوق بشر (۱۹۶۶)، حقوق بین‌الملل عرفی	طرح دعوی بر اساس نقض حقوق بشر
کم	وتوی احتمالی توسط آمریکا، ماهیت سیاسی	قابلیت صدور قطعنامه الزام‌آور	منشور ملل متحد، فصل هفتم	توسل به سازوکارهای شورای امنیت
کم	عدم عضویت ایران و آمریکا، صلاحیت تکمیلی	سابقه جدید در پرونده اوکراین	اساسنامه رم، جنایت جنگی	طرح دعوی در دیوان کیفری بین‌المللی

تقویت همکاری‌های بین‌المللی و تدوین معاهده جدید	ابتکارات چندجانبه	ایجاد چارچوب حقوقی پایدار، پیشگیری از حملات آینده	فرآیند طولانی، نیاز به اجماع بین‌المللی	بالا (بلندمدت)
اعمال اقدامات متقابل	حقوق بین‌الملل عرفی، ماده ۴۹ پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها	اقدام عملی و فوری در چارچوب حقوق	خطر تشدید مناقشه، نیاز به تناسب	متوسط

جدول مذکور راهکارهای حقوقی موجود و بالقوه برای طرح دعوی و جبران خسارت ناشی از حملات به زیرساخت‌های ایران را نشان می‌دهد. اولین راهکار، طرح دعوی بر اساس معاهده مودت ۱۹۵۵ بین ایران و آمریکا بود که در پرونده سکوه‌های نفتی نیز از آن استفاده شد (ICJ, ۲۰۰۳). با این حال، خروج آمریکا از این معاهده در سال ۲۰۱۸، این مسیر را عملاً مسدود کرده است، زیرا مبنای صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس این معاهده از بین رفته است.

دومین راهکار، طرح دعوی بر اساس نقض حقوق بشر است. حملات به زیرساخت‌های حیاتی، به‌ویژه تأسیسات آب، برق و درمانی، می‌تواند نقض حق بر حیات، حق بر بهداشت و حق بر آب آشامیدنی سالم تلقی شود. این رویکرد امکان استناد به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) را فراهم می‌کند. با این حال، دشواری اثبات رابطه سببیت میان حملات و نقض این حقوق، و نیز محدودیت‌های صلاحیتی محاکم بین‌المللی حقوق بشر، از موانع اصلی این مسیر هستند.

سومین راهکار، توسل به سازوکارهای شورای امنیت سازمان ملل متحد است. بر اساس فصل هفتم منشور، شورای امنیت می‌تواند قطعنامه‌های الزام‌آوری برای توقف حملات و جبران خسارت صادر کند. با این حال، وتوی احتمالی توسط آمریکا به‌عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت، این راهکار را با چالش جدی مواجه می‌کند و آن را به یک راهکار سیاسی با اثربخشی پایین تبدیل می‌سازد. تجربه تاریخی نشان داده است که شورای امنیت در موارد مشابه، اغلب به دلیل اختلافات میان اعضای دائم، قادر به اتخاذ اقدام مؤثر نبوده است.

چهارمین راهکار که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، طرح دعوی در دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس جنایت جنگی است. همان‌گونه که در پرونده اوکراین رخ داد، حملات گسترده و سیستماتیک به زیرساخت‌های غیرنظامی می‌تواند به‌عنوان جنایت جنگی در این دیوان مورد پیگرد قرار گیرد (Beigzadeh, ۲۰۲۵). با این حال، عدم عضویت ایران و آمریکا در اساسنامه رم، و نیز اصل صلاحیت تکمیلی که بر اساس آن دیوان تنها در صورتی وارد می‌شود که دولت متبوع متهم توانایی یا اراده رسیدگی نداشته باشد، موانع جدی در این مسیر ایجاد کرده است.

پنجمین و مهم‌ترین راهکار، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و تدوین معاهده جدید در زمینه حمایت از زیرساخت‌های حیاتی است. این راهکار، هرچند فرآیندی طولانی و نیازمند اجماع بین‌المللی دارد، می‌تواند چارچوب حقوقی پایدار و جامعی برای پیشگیری از حملات به زیرساخت‌های حیاتی و جبران خسارت‌های ناشی از آن ایجاد کند. ابتکار جهانی برای حمایت از حقوق بشردوستانه که در سال ۲۰۲۶ در ژنو برگزار شد، گامی در این جهت بوده است (CubaMinrex, ۲۰۲۵). این ابتکار بر لزوم شفاف‌سازی قواعد مربوط به تأسیسات دوکاربره و تقویت حمایت از زیرساخت‌های حیاتی در مخاصمات مسلحانه تأکید دارد.

نهایتاً، اعمال اقدامات متقابل توسط ایران، به‌عنوان یکی از راهکارهای حقوق بین‌الملل عرفی، می‌تواند در چارچوب ماده ۴۹ پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱) مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس این قاعده، دولت قربانی می‌تواند در پاسخ به اقدام

متخلفانه دولت دیگر، اقدامات متقابل متناسب و موقتی انجام دهد. با این حال، این راهکار به دلیل خطر تشدید مناقشه و نیاز به تناسب، باید با احتیاط کامل و در چارچوب حقوق بین‌الملل اعمال شود.

۵. بحث

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل، علی‌رغم وجود چارچوب‌های کلی برای حمایت از زیرساخت‌های حیاتی، با چالش‌های جدی در اجرا و کاربست عملی مواجه است. این چالش‌ها نه تنها ناشی از نقص قواعد موجود، بلکه ناشی از موانع ساختاری در نظام حقوق بین‌الملل و رویه سیاسی دولت‌هاست. در این بخش، یافته‌ها در چارچوب ادبیات موجود تحلیل شده و پیامدهای نظری و عملی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد (شکل ۱).



شکل ۱: ابعاد حقوقی ممنوعیت حمله به زیرساخت‌ها در حقوق بین‌الملل با تکیه بر حمله آمریکا و اسرائیل به زیرساخت‌های حیاتی و راهکارهای حقوقی جهت طرح دعوی در محاکم حقوقی بین‌المللی

چالش تعریف و شناسایی زیرساخت‌های حیاتی: همان‌گونه که نتایج نشان داد، فقدان تعریف معاهده‌ای واحد از زیرساخت‌های حیاتی، یکی از موانع اصلی در حمایت حقوقی از این اشیاء است. علی‌رغم تلاش‌های اخیر برای استنباط تعریف عرفی از رویه دولت‌ها و مواضع سازمان‌های بین‌المللی (Beigzadeh, ۲۰۲۵)، این تعریف هنوز در عمل با ابهامات زیادی مواجه است. به‌ویژه، تمایز میان زیرساخت‌های صرفاً غیرنظامی و تأسیسات دوکاربره، که هم کاربرد نظامی و هم غیرنظامی

دارند، چالش اصلی در این حوزه محسوب می‌شود. ادبیات حقوقی نشان می‌دهد که بسیاری از دولت‌ها با تکیه بر تفسیر موسع از مفهوم «هدف نظامی»، کل یک زیرساخت را هدف نظامی می‌دانند و از انجام ارزیابی تناسب برای خسارت به بخش‌های غیرنظامی آن خودداری می‌کنند (Lattimer, ۲۰۲۶). این رویه که در حملات اخیر آمریکا و اسرائیل به زیرساخت‌های ایران نیز مشاهده شد، با روح و هدف قواعد حقوق بشردوستانه که حمایت از غیرنظامیان است، مغایرت دارد و نیاز به شفاف‌سازی قواعد و تقویت سازوکارهای نظارتی را آشکار می‌سازد.

مسئله انتساب در حملات سایبری: یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوق بین‌الملل معاصر، مسئله انتساب عملیات سایبری به دولت‌هاست. همان‌گونه که نتایج نشان داد، حملات سایبری به دلیل ماهیت پنهان، غیرمستقیم و قابلیت اجرا از طریق شبکه‌های متعدد، احراز مسئولیت دولت‌ها را بسیار دشوار می‌سازد. این چالش، نه تنها در حوزه حملات سایبری به زیرساخت‌های حیاتی، بلکه در کل نظام حقوق بین‌الملل، خلأهای جدی ایجاد کرده است. پژوهشگرانی مانند Hollis و Sukumar (۲۰۲۶) پیشنهاد کرده‌اند که برای مقابله با این چالش، قواعد جدیدی مبتنی بر «رویکرد شیء» تدوین شود که بر اساس آن، عملیات سایبری پیش‌موقعیت‌سازی علیه زیرساخت‌های حیاتی غیرنظامی، به‌طور کامل ممنوع اعلام شود، صرف‌نظر از اینکه بتوان آن را به دولت خاصی نسبت داد یا خیر (Hollis & Sukumar, ۲۰۲۶). این پیشنهاد، هرچند جسورانه است، اما با موانع عملی و سیاسی متعددی مواجه است و اجرای آن مستلزم اجماع گسترده بین‌المللی و بازنگری در مفاهیم سنتی حقوق بین‌الملل است.

راهکارهای حقوقی و اثربخشی آنها: نتایج تحقیق نشان داد که گرچه مسیرهای حقوقی متعددی برای طرح دعوی وجود دارد، اما هر یک با موانع جدی مواجه هستند. این یافته با ادبیات موجود که بر ناکارآمدی نظام حقوق بین‌الملل در مقابله با حملات به زیرساخت‌ها تأکید دارد، همسو است (The Hindu, ۲۰۲۶). به‌ویژه، موضوع مصونیت دولت‌ها و محدودیت‌های صلاحیتی محاکم بین‌المللی، به‌عنوان موانع ساختاری بر سر راه دادخواهی مؤثر شناخته شده‌اند. با وجود اینکه دیوان بین‌المللی دادگستری مهم‌ترین مرجع قضایی در این زمینه است، اما صلاحیت آن مبتنی بر رضایت دولت‌هاست و دولت‌های قدرتمند معمولاً از پذیرش صلاحیت آن خودداری می‌کنند. همچنین دیوان کیفری بین‌المللی با وجود سابقه جدید در پرونده اوکراین، به دلیل عدم عضویت ایران و آمریکا در اساسنامه رم، نمی‌تواند نقش مؤثری در این زمینه ایفا کند.

فقدان رویه قضایی کافی: یکی دیگر از چالش‌های اساسی، فقدان رویه قضایی کافی و کارآمد در این حوزه است. همان‌گونه که (Morel de Westgaver, ۲۰۲۴) اشاره کرده، محاکم بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی، با موضوعات مرتبط با امنیت سایبری و حملات به زیرساخت‌ها کمتر مواجه بوده‌اند و رویه مدونی در این زمینه ایجاد نکرده‌اند. این خلأ رویه‌ای، به عدم اطمینان حقوقی دامن می‌زند و کشورهای مهاجم را به مصونیت از مجازات امیدوار می‌سازد. پرونده سکوه‌های نفتی (۲۰۰۳) که تنها سابقه قابل‌توجه در این زمینه است، علی‌رغم اهمیت خود، به دلیل محدودیت‌های ناشی از معاهده مودت، نتوانست رویه روشنی در مورد حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی ایجاد کند (ICJ, ۲۰۰۳).

اهمیت همکاری‌های بین‌المللی و تدوین قواعد جدید: با توجه به چالش‌های فوق، به نظر می‌رسد که بهترین راهکار بلندمدت برای حمایت از زیرساخت‌های حیاتی، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و تدوین قواعد جدید و شفاف‌تر در این حوزه است. ابتکار جهانی برای حمایت از حقوق بشردوستانه که در سال ۲۰۲۶ در ژنو برگزار شد، نشان‌دهنده آگاهی جامعه بین‌المللی از این خلأ حقوقی است. این ابتکار بر لزوم شفاف‌سازی مفاهیم کلیدی مانند تأسیسات دواکاربره، تقویت اصول تفکیک، تناسب و احتیاط، و ایجاد سازوکارهای نظارتی کارآمد برای جلوگیری از حملات به زیرساخت‌های حیاتی تأکید دارد. همچنین،

پیشنهادهایی مانند تدوین کنوانسیون جدیدی که به‌طور خاص به حمایت از زیرساخت‌های حیاتی بپردازد، با الهام از ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی، می‌تواند گام مهمی در این جهت باشد (Mizan, ۲۰۲۵).

نقش دیوان کیفری بین‌المللی در تحول حقوق: صدور احکام بازداشت علیه مقامات روسی به دلیل حملات به زیرساخت‌های اوکراین، نشان‌دهنده تحولی مثبت در رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی است. این اقدام، هرچند محدود به مخاصمات مسلحانه و دولت‌های عضو اساسنامه است، اما می‌تواند به‌عنوان نقطه عطفی در شناسایی حملات به زیرساخت‌های حیاتی به‌عنوان جنایت جنگی تلقی شود. با این حال، برای اینکه این رویه به‌عنوان قاعده عرفی حقوق بین‌الملل تثبیت شود، نیاز به تکرار و پذیرش گسترده‌تر توسط دولت‌ها دارد و ممکن است سال‌ها طول بکشد.

چالش دوگانگی رویه دولت‌ها: یکی از معضلات اساسی در این زمینه، دوگانگی رویه دولت‌های قدرتمند است. از یک سو، این دولت‌ها حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی را محکوم می‌کنند و از دیوان کیفری بین‌المللی برای پیگرد چنین اقداماتی حمایت می‌کنند (مانند موضع آمریکا در قبال حملات روسیه به اوکراین)، اما از سوی دیگر، خودشان مرتکب چنین اقداماتی می‌شوند (مانند حملات اخیر به ایران). این دوگانگی رویه، اعتبار قواعد حقوق بین‌الملل را تضعیف می‌کند و کشورهای دیگر را به تبعیت از این رویه تشویق می‌نماید.

نتیجه‌گیری کلی: با وجود تمامی چالش‌ها، حقوق بین‌الملل چارچوبی برای حمایت از زیرساخت‌های حیاتی فراهم کرده است، هرچند این چارچوب نیازمند تقویت، شفاف‌سازی و روزآمدسازی است. همچنین، با وجود موانع عملی، مسیرهای حقوقی مانند طرح دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری یا دیوان کیفری بین‌المللی (در صورت فراهم شدن شرایط) همچنان قابل‌پیگیری هستند. با این حال، نباید از نقش مهم اقدامات سیاسی و دیپلماتیک در کنار راهکارهای حقوقی غافل شد. در نهایت، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و تدوین قواعد جدید، کلید اصلی حل این مسئله و پیشگیری از حملات آینده به زیرساخت‌های حیاتی است.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی ابعاد حقوقی ممنوعیت حمله به زیرساخت‌ها در حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود چارچوب‌های حقوقی نسبتاً روشن در قواعد حقوق بشردوستانه بین‌الملل و حقوق بشر، اجرا و کاربست عملی این قواعد با چالش‌های جدی مواجه است. تحقیق حاضر نشان داد که اصول تفکیک، تناسب و احتیاط، به‌همراه ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی، مبنای حقوقی مستحکمی برای ممنوعیت حملات به زیرساخت‌های حیاتی فراهم می‌کنند، اما مفاهیم کلیدی مانند «هدف نظامی»، «تأسیسات دواکبره» و «زیرساخت‌های حیاتی» نیازمند شفاف‌سازی و تفسیر دقیق‌تر هستند.

مطالعه موردی حملات آمریکا و اسرائیل به زیرساخت‌های حیاتی ایران در سال ۲۰۲۶ نشان داد که این حملات که شامل حمله به پل‌ها، ایستگاه‌های راه‌آهن، فرودگاه‌ها، تأسیسات انرژی و هسته‌ای و همچنین عملیات سایبری بوده است، در صورت عدم احراز کاربرد نظامی مؤثر و رعایت اصول تناسب و احتیاط، نقض آشکار قواعد حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند. با این حال، مسئله انتساب حملات سایبری، فقدان رویه قضایی کافی و محدودیت‌های صلاحیتی محاکم بین‌المللی، از موانع اصلی در راه تحقق مسئولیت بین‌المللی و جبران خسارت است.

از میان راهکارهای حقوقی موجود، طرح دعوی بر اساس معاهدات دوستانه (مانند معاهده مودت ۱۹۵۵) با توجه به خروج آمریکا از این معاهده، عملاً منتفی است. طرح دعوی بر اساس نقض حقوق بشر، هرچند از نظر حقوقی قابل دفاع است، اما با موانع اثباتی و صلاحیتی مواجه است. دیوان کیفری بین‌المللی نیز با وجود سابقه مثبت در پرونده اوکراین، به دلیل عدم عضویت ایران و آمریکا، نمی‌تواند نقش مؤثری ایفا کند. بنابراین، مؤثرترین راهکار بلندمدت، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و تدوین معاهده جدیدی است که به طور خاص به حمایت از زیرساخت‌های حیاتی بپردازد و قواعد موجود را شفاف‌تر و کارآمدتر سازد.

در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، ایران می‌تواند از طریق اقدامات دیپلماتیک، مستندسازی دقیق حملات، اطلاع‌رسانی به افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی، و نیز اعمال اقدامات متقابل متناسب در چارچوب حقوق بین‌الملل، بخشی از حقوق خود را احیا کند. با این حال، باید اذعان داشت که نظام حقوق بین‌الملل کنونی، به‌ویژه در مواجهه با دولت‌های قدرتمند و متحد در شورای امنیت، کارایی لازم را ندارد و تحقق عدالت در چنین مواردی، نیازمند اراده سیاسی جامعه بین‌المللی و بازنگری اساسی در ساختارهای موجود است.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی بر روی تدوین قواعد عرفی در زمینه حمایت از زیرساخت‌های حیاتی، ارائه راهکارهای عملی برای حل مسئله انتساب حملات سایبری، و بررسی امکان ایجاد یک نهاد قضایی تخصصی برای رسیدگی به دعاوی مرتبط با زیرساخت‌های حیاتی متمرکز شود. همچنین، مطالعه تطبیقی رویه دولت‌ها در قبال حملات به زیرساخت‌ها می‌تواند به شفاف‌سازی قواعد موجود و شناسایی خلأهای حقوقی کمک کند.

۷. منابع

- Beigzadeh, E. (۲۰۲۵). Assaults on critical infrastructure and international law. *Journal of Legal Research (JLR)*. <https://doi.org/10.48308/jlr.2025.241688.2965>
- Brookings Institution. (۲۰۲۶, July ۱۳). *Using military force in Iran: Domestic and international law questions*. <https://www.brookings.edu/articles/using-military-force-in-iran-domestic-and-international-law-questions/>
- CubaMinrex. (۲۰۲۵). *Statement by Minister-Counselor Rebeca Hernández Toledano, representative of Cuba. Consultations with member states on the protection of civilian infrastructure. Global Initiative to Support International Humanitarian Law*. <http://misiones.cubaminrex.cu/en/geneva/documents/statement-minister-counselor-rebeca-hernandez-toledano-representative-cuba>
- Hollis, D. B., & Sukumar, A. (۲۰۲۶). *PIL Discussion Group: New challenges and new concepts? Prepositioning and civilian critical infrastructure in international law*. University of Oxford. <https://www.law.ox.ac.uk/content/event/pil-discussion-group-new-challenges-and-new-concepts-prepositioning-and-civilian>
- International Court of Justice. (۲۰۰۳). *Case concerning oil platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Summary of the Judgment of 6 November 2003*. <https://icj-cij.org/index.php/node/103910>

- Lattimer, M. (۲۰۲۶). Dual-use objects and dual-purpose attacks. *Lieber Institute West Point, Articles of War*. <https://lieber.westpoint.edu/dual-use-objects-dual-purpose-attacks/>
- Mazaraki, N., & Honcharova, Y. (۲۰۲۲). Cyber dimension of hybrid wars: Escaping a 'grey zone' of international law to address economic damages. *Baltic Journal of Economic Studies*, 8(۲), ۱۱۵-۱۲۰. <https://doi.org/۱۰.۳۰۵۲۵/۲۲۵۶-۰۷۴۲/۲۰۲۲-۸-۲-۱۱۵-۱۲۰>
- Mizan Online. (۲۰۲۵). *Legal analysis of the US. and Israeli aggression against Iran's protected nuclear facilities*. <https://www.mizanonline.ir/en/news/۱۹۹۰/legal-analysis-of-the-us-and-israeli-aggression-against-iran%E۲٪۸۰٪۹۹s-protected-nuclear-facilities>
- Morel de Westgaver, C. (۲۰۲۴). Cybersecurity in international courts and tribunals. In *Oxford Public International Law*. <https://opil.ouplaw.com/display/۱۰.۱۰۹۳/law-mpeipro/e۳۷۶۳.۰۱۳.۳۷۶۳/law-mpeipro-e۳۷۶۳>
- The Hindu. (۲۰۲۶). Cyber warfare is outpacing global legal accountability. *The Hindu*. <https://www.thehindu.com/opinion/op-ed/cyber-warfare-is-outpacing-global-legal-accountability/article۷۱۰۱۱۸۶۴.ece>
- ABNA. (۲۰۲۶). 'Attack on critical infrastructure is a clear violation of international law'. <https://en.abna۲۴.com/news/۱۷۹۹۶۰۱/Attack-on-critical-infrastructure-is-a-clear-violation-of-international>
- BBC. (۲۰۲۶). US denies Iranian claims it hit civilian infrastructure in latest strikes. <https://www.bbc.com/news/articles/c۱۵۱gdjwd۱۰۰>